

## نقطه نظر / سرمقاله

## تداوم تمدنی ایران و منطق پیش‌رونده فضا

ایران در درجه نخست یک اسم است، اما واقعیتی هست که این اسم ناظر بر آن است. این واقعیت که بیش از هشتصد بار نام آن در شاهنامه تکرار شده، در طول سده‌های متمادی بارها در معرض هجوم‌های خارجی قرار گرفته است. با این همه و به‌رغم بحران‌ها و گسست‌های سیاسی، تداوم در لایه‌های فرهنگی این سرزمین حفظ شده؛ تداوم در جوهری که هرچند آرام و تدریجی، همواره با انباشت تجربه و انتقال دانش در طول نسل‌ها همراه بوده است. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مشاهده این تداوم، تاریخ فضا در ایران است. در سنت ایرانی، بنا، صرفاً یک حجم ساختمانی، باغ، صرفاً یک فضای سبز، و شهر صرفاً مجموعه‌ای از عناصر کالبدی نبوده است. این سه، در حقیقت، سطوح مختلف یک منطق مشترک‌اند؛ منطقی که بر پایه معنا، نظم هندسی و مهندسی آب، نسبت دقیق میان فضای ساخته‌شده و محیط طبیعی، و سازمان‌دهی عقلانی زندگی جمعی شکل گرفته است. در معماری ایران می‌توان سیر روشنی از انتقال، اصلاح و تکامل دانش فنی را مشاهده کرد. الگوهای بنیادینی که در دوره‌های پیش از اسلام پدید آمده بودند، در دوره‌های بعد از میان نرفتند، بلکه در قالب‌های تازه بسط یافتند. تحول ایوان، تکامل شیوه‌های پوشش فضا، ارتقای فنون ساخت گنبد، و پیچیده‌تر شدن نسبت میان سازه و تزئین، همگی نشان می‌دهند که معماری ایران از منطق انباشت و پیشرفت پیروی کرده است. این پیشرفت را نمی‌توان فقط در ساخت معماری دید. همان اصولی که در مقیاس بنا عمل می‌کنند، در مقیاس شهر نیز استمرار می‌یابند اما در مقیاسی گسترده‌تر. شهر ایرانی در طول تاریخ، ساختاری درهم‌تنیده از بازار، مسجد جامع، میدان، محله، ارگ، باغ و شبکه معابر بوده است. این عناصر نه به‌صورت تصادفی، بلکه در قالب نظم پایدار و متناسب با اقلیم، اقتصاد و حیات مدنی شکل گرفته‌اند. شهرهای تاریخی ایران، با وجود ویرانی‌ها یا افول‌های مقطعی، غالباً توانسته‌اند این منطق درونی را حفظ کنند و در دوره‌های بعدی در سطحی پیچیده‌تر بازآرایی شوند. در اصفهان صفوی، پیوند میدان، بازار، کاخ، خیابان و محلات به مرحله‌ای از انسجام می‌رسد که نشان می‌دهد شهر ایرانی نه از نقطه صفر، بلکه بر پایه انباشت تجربه‌های طولانی تکوین یافته است. به همین اعتبار، شهرسازی ایران را باید امتداد همان سنتی دانست که در معماری و باغ‌سازی نیز حضور دارد. از منظر تاریخ معماری و شهرسازی، تمدن ایران را نمی‌توان ذیل الگوی جامعه کوتاه‌مدت یا جامعه کلنگی فهم کرد. شواهد فضایی نشان می‌دهد که تحول تاریخی در ایران عمدتاً بر پایه جذب، بازآرایی و بسط دستاوردهای پیشین صورت گرفته است، نه بر مبنای نفی کامل آن‌ها و آغاز مکرر از نقطه صفر. اگر جامعه‌ای کوتاه‌مدت باشد، در آن باید گسست‌های پی‌درپی در انتقال دانش، زوال سریع الگوهای فضایی، و ناتوانی در انباشت تجربه‌های فنی مشاهده شود؛ حال آن‌که در تاریخ ایران، از سازمان باغ و مهندسی آب تا پیوند بازار، مسجد، میدان و محله در شهر، و نیز تکامل تدریجی فنون سازه‌ای در معماری، نوعی امتداد درازمدت و انباشتی دیده می‌شود. این تداوم نشان می‌دهد که حافظه فضایی ایران فراتر از منطق ناپایدار و مقطعی عمل کرده و بیش از آن‌که با مفهوم گسست توضیح داده شود، با منطق تداوم تاریخی و انباشت تمدنی قابل فهم است. بر پایه چنین درکی، فشارها و تهاجم‌های معاصر را نیز باید رویدادهایی در متن تاریخی طولانی‌تری دانست که در آن، ایران بارها توانسته است ظرفیت‌های درونی خود را در قالب‌های تازه بازآرایی و بازتولید کند.

رضا کسروی

گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا،

دانشگاه تهران، ایران

reza.kasravi@ut.ac.ir

## COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

کسروی، رضا. (۱۴۰۵). تداوم تمدنی ایران و منطق پیش‌رونده فضا. مجله هنر و تمدن شرق، ۱۴ (۵۲)، ۵.

DOI: 10.22034/JACO.2026.246555

URL: [https://www.jaco-sj.com/article\\_246555.html](https://www.jaco-sj.com/article_246555.html)